

# تحلیل به کارگیری دشواژه در فیلم‌های سینمای ایران از منظر جامعه‌شناسی زبان و رابطه آن با جنسیت بازیگران

مریم تفرجی یگانه<sup>۱</sup>

## چکیده

هدف مقاله پیش‌رو، بررسی نوع و میزان به کارگیری دشواژه<sup>۲</sup> در فیلم‌های سینمایی رسوایی، عصر یخبندان، آب و آتش است. دشواژه‌ها واژه‌ها و اصطلاحاتی هستند که صورت و مفهوم ناخوشایندی دارند و اعضای یک جامعه از به کار بردن آنها به صورت مستقیم پرهیز می‌کنند. این پژوهش سعی دارد که میزان کاربرد دشواژه‌ها و ارتباط جنسیت با کاربرد آن را بررسی کند. پژوهش پیش‌رو از نوع تحلیل محتوی و پیکره بنیاد می‌باشد. پیکره پژوهش را متن دیالوگ‌های بیان شده توسط بازیگران موجود در این سه فیلم سینمایی تشکیل می‌دهند. تعداد دشواژه‌های موجود در این سه فیلم ۸۴ مورد بوده که با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی زبان و نرم‌افزار اسپ‌اس<sup>۳</sup> تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های در سطح توصیفی - استنباطی از آزمون تی دو نمونه مستقل<sup>۴</sup> استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که از میان انواع مختلف دشواژه از قبیل عمومی، حیوانات، خانواده و غیره دشواژه‌هایی عمومی بیشترین کاربرد و بیماری و حیوانات - خانواده کم‌ترین کاربرد را داشته‌اند. همچنین میان جنسیت و کاربرد دشواژه‌ها ارتباط معنا‌داری وجود نداشته و زنان و مردان به نسبت یکسانی از دشواژه استفاده نموده‌اند و تنها تفاوت آنها در نوع دشواژه‌های مورد استفاده بوده، به این معنا که زنان از دشواژه‌های مربوط به حیوانات بیشترین استفاده کردند ولی مردان بیشترین استفاده از دشواژه‌های عمومی داشته و از دشواژه‌های مربوط به بیماری اصلاً استفاده نکرده‌اند.

## واژه‌های کلیدی

جامعه‌شناسی زبان، دشواژه، جنسیت، فیلم‌های سینمایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام

maryam@gmail.com

2. Taboo

3. Spss

4. Independent-Samples t Test

## مقدمه

انسان‌ها بیشتر عمرشان را در جامعه زندگی می‌کنند، آنها به عنوان اعضای یک خانواده ساکنان یک محله یا شهر، اعضای یک گروه خاص اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و قومی همچنین به عنوان شهروندان یک ملت با یکدیگر در ارتباطند. انسان‌ها حتی اگر خودشان هم آگاه نباشند که اعضای یک جامعه‌اند، باز به شیوه‌ای فکر و عمل می‌کنند که دست کم بخشی از آنها را قوانین موجود در آن جامعه تعیین می‌کند. نوع لباسی که می‌پوشند، نوع خوراک و نحوه تناول کردن آنها عقاید و ارزش‌ها و آداب و رسوم و... که رعایت می‌کنند، همگی تحت تأثیر قوانین و دستورات موجود در جامعه‌های گوناگون است.

اثر هنری تجلی دهنده افکار و اندیشه‌ها، علائق و ضمیر خالق آن است. بخش عمده‌ای از آنچه درون هر انسان می‌گذرد، وابسته به زادبوم و جامعه‌ای است که در آن متولد شده، رشد یافته و زندگی کرده است. سینمای هر کشور، همچون دیگر هنرها، ارتباط و تعامل فراوانی با باورها و عقاید مردمی دارد که در آن زندگی می‌کنند. این هنر در بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از اندیشه و فرهنگ سرزمین‌ها و از طریق بیان هنرمندانه آنها رشد کرده است. فرهنگ و اندیشه ایرانی نیز تاکنون در برخی از فیلم‌های سینمایی ایرانی به خوبی تجلی یافته است و نمونه‌های موفق از آثار سینمای ایران با پشتوانه این فرهنگ و اندیشه خلق شده‌اند. تورل<sup>۱</sup> می‌نویسد که سینما نمایش دهنده اعمال، رفتار، کردار و حالاتی است که تماشاگر را وادار به تقلید می‌کند. فیلم در واقع باید ساخته شود که نه تنها مخالف مصالح اجتماعی و اخلاقی نباشد و افراد را بد اندیش و بد نهاد پرورش ندهد، بلکه برعکس آموزنده صفات عالی انسانی و خصایص نیکو و رفتارهای پسندیده و بایسته باشد تا تماشاگران بتوانند با برداشت‌های خود، به خود و اجتماع و افراد سود برسانند. موضوع هر فیلم باید وضع افراد هر اجتماع بوده و با سنن و آداب و رسوم آن کاملاً منطبق باشد، در غیر این صورت نتایج و عواقبی بسیار ناگوار و نامطلوب به بار می‌آورد. برخی از فیلم‌ها مفاهیم و تعابیر غلط و گمراه‌کننده‌ای را به تماشاگران خود منتقل می‌کنند و ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، علمی و... را دگرگون جلوه می‌دهند. تحمیل این مفاهیم نادرست و منحرف‌کننده به وسیله فیلم‌ها یا به طریقی دیگر برداشت‌های غلط و غیر واقعی تماشاگران از آنچه که دیده‌اند، لطمه مستقیمی است که به افراد و جامعه وارد می‌شود.

در هر جامعه‌ای تابو، ممنوعیت یا پرهیز از رفتاری است که به نظر می‌رسد برای اعضای آن جامعه زیان‌بار است، چراکه آن رفتار موجب دغدغه خاطر، شرمندگی یا خجالت آنها خواهد شد. در واقع تابو یک محدودیت نزاکتی بی‌نهایت قوی است. موضوعات تابو شده می‌توانند شامل موضوعات متفاوت بسیاری باشند: مانند روابط جنسی، مرگ، عمل دفع، کارکردهای بدنی، موضوعات دینی و سیاسی. واژه‌ها و عبارتهای حسن تعبیر شده به ما امکان می‌دهد تا در مورد چیزهای ناخوشایند صحبت کنیم و ناخوشایندی را می‌پوشانند یا خنثی می‌کنند. حسن تعبیر در جوامع بسیار رایج است: گویشوران پیوسته چیزها را از نو نام‌گذاری و دسته‌بندی می‌کنند تا سبب شوند که بهتر به نظر برسند (وارداف، ۲۰۱۰: ۲۴۹).

تعداد زیاد مخاطبان و علاقه‌مندان به حوزه سینما و خصوصاً فیلم‌های سینمایی و تأثیرگذاری این فیلم‌ها بر روی شکل‌گیری الگوهای رفتاری و هنجارهای اجتماعی در جامعه، موجب شد که بررسی محتوایی فیلم‌های سینمایی ایرانی در کانون توجه و بررسی قرار گرفته شود. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده تا میزان کاربرد دشواژه در فیلم‌های سینمایی رسوایی، عصر یخبندان و آب و آتش بررسی شود. دلیل انتخاب این فیلم‌ها دارا بودن موضوع اجتماعی، تعداد نسبتاً زیاد بازیگران، همچنین وجود دشواژه‌ها بوده است. در این تحقیق سعی بر آن بوده است که به بررسی انواع و فراوانی‌ها دشواژه‌های به‌کار رفته در دیالوگ‌های بازیگران پرداخته شود و نشان داده شود که آیا بین جنسیت و میزان کاربرد دشواژه‌ها ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر.

### پیشینه پژوهش

در قسمت پیشینه پژوهش به معرفی پژوهش‌های پیشین انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود.

چانمینگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی دشواژه‌ها در زبان انگلیسی به بررسی دشواژه‌ها عمده در زبان انگلیسی می‌پردازد که این دشواژه‌ها مربوط به ترشحات بدن، مرگ و بیماری، کلماتی که به مسائل جنسی، حفظ حریم خصوصی و زبان تبعیض آمیز اشاره دارند که پژوهشگر به ترتیب، هریک را تعریف و نمونه‌هایی از آنها را ارائه کرده است. نویسنده معتقد است که برای مقابله با این موقعیت و کلمات از حسن تعبیرها استفاده شود. دشواژه و حسن تعبیر بر

همه تأثیر می‌گذارند و ممکن است به علت توهین آمیز بودن بعضی از کلمات به ندرت استفاده شوند. در هر گروه اجتماعی چگونه رفتار کردن در آن گروه و احترام متقابل هنگام استفاده از زبان، از پایه‌ها و اساس روابط دوستانه است.

نظیر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مقاله *الگوهای جنسیتی در فیس‌بوک از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی* به بررسی تفاوت و شباهت بین زنان و مردان از اینترنت در شبکه‌های اجتماعی، فیس‌بوک می‌پردازد. پژوهشگر داده‌های خود را از میان ۶۰ نمایه ۳۰ مرد و ۳۰ زن انتخاب کرده است که آنها را در یک ماه جمع‌آوری کرده است. تمامی شرکنندگان این پژوهش از نقاط مختلف پاکستان هستند که سن آنها ۲۰ یا بیش از ۲۰ سال است. نتایجی که از این پژوهش به دست آمد، نشان داد زنانی که به فیس‌بوک می‌روند برای سرگرمی، گذراندن وقت و حفظ روابط با دوستان این کار را انجام می‌دهند. در حالی که مردان به دنبال روابط جدید هستند.

در مقاله اصطلاحات تابو در زبان اشاره امریکایی میروس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه دست یافتند که میان ساختار نحوی جایگاه تولید واژه دشواژه در زبان اشاره امریکایی و زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد. در ساختار نحوی زبان اشاره امریکایی دشواژه‌ها یا در درون ساخت‌های بزرگ‌تر قرار دارند یا گزاره‌های گروه‌های اسمی ارجاعی هستند و برخلاف زبان انگلیسی به ندرت برای توصیف کننده به کار می‌روند.

در سال (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان *بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیما* توسط مدرس خیابانی به چاپ رسیده است، نگارنده در این پژوهش با کمک دستاوردهای زبان‌شناسی پیکره بنیاد، میزان رعایت نزاکت زبانی در مجموعه‌های طنز سیما را بررسی نموده است. در این پژوهش پنج مجموعه طنز که در سال ۱۳۹۰ از سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شده، بررسی شده است. بررسی پیکره پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه تعداد دشواژه‌ها و موارد نامناسب گفتاری در مقایسه با کل واژه‌ها پیکره بسیار اندک است؛ اما با توجه به نقش مهم صدا و سیما در ایجاد فرهنگ مناسب اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده‌ها، توجه به چنین مواردی که مسلماً تأثیر بسیاری بر مخاطب این برنامه‌ها، به‌ویژه بینندگان نونهال و نوجوان می‌گذارد، امری خطیر محسوب می‌شود. ارباب (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان *بررسی و طبقه‌بندی*

1. B.Nazir  
2. Mirus

دشواژه‌های رایج فارسی در *تداول عامه* ضمن معرفی دشواژه و انواع آن، به بررسی دشواژه‌های رایج فارسی بین زنان و مردان ساکن شهر تهران و تفاوت‌های موجود در نحوه استفاده آنها از دشواژه‌ها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد درصد ساخت دشواژه‌هایی که در آنها از واژه‌های جنسی استفاده می‌شود در مقایسه با سایر حوزه‌ها بیشتر است. همچنین بیشترین میزان استفاده از دشواژه‌ها به جز دو حوزه جنسی و جنسی - خانوادگی که میزان استفاده از دشواژه‌ها در بافت گروهی بوده است در سایر حوزه‌ها دشواژه‌ها بیشتر در بافت برون‌گروهی به کار رفته است. همچنین میان استفاده از دشواژه‌ها و بافت کاربردی بین زنان و مردان تفاوتی دیده نمی‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان بیشتر دشواژه‌هایی را که مربوط به حوزه‌های بیماری‌ها، عمومی، مرگ، حالات روانی - جسمی و خانواده است را به کار می‌برند و مردان عکس زنان رفتار می‌کنند و بیشترین میزان استفاده از دشواژه‌ها مربوط به حوزه‌های جنسی - خانوادگی، جنسی و خوراک را دارند که نشان دهنده آن است که کاربرد دشواژه‌های زنان و مردان براساس انتخاب حوزه‌های واژگانی آنها با یکدیگر تفاوت دارد. بروجنی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود به بررسی ساختار محتوایی و زبانی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر فارسی پرداخته است. در این پژوهش تلاش بر آن است که دشواژه‌های رایج در زبان فارسی با تکیه بر برخی داستان‌های معاصر ادب فارسی بررسی شود. پژوهشگر در این پایان‌نامه خود به بررسی دلیل حضور این گونه زبانی در جامعه، برخلاف محکوم بودنش، پرداخته است. وی معتقد است هرچند این گونه زبانی در میان تمام اهل زبان شناخته شده است، اما گروه‌ها و طبقاتی خاص از جامعه بیشتر از آن استفاده می‌کنند و برعکس گروه‌هایی تلاش می‌کنند خود را از آن دور نگه دارند. بین زنان و مردان تفاوت‌هایی در کاربرد یا عدم کاربرد این گونه زبانی دیده می‌شود. زنان در برخورد با این واژگان محتاط‌تر عمل می‌کنند. نوع واژگان به کار برده شده به وسیله این دو گروه جامعه نیز تا حدودی متفاوت است. از لحاظ ساختار دستوری نیز زمان حال بیشترین کاربرد را در میان زمان‌های مختلف دارد. حال اخباری و التزامی به وفور دیده می‌شود. این گونه زبانی به دلایلی با زمان حال هم‌اهنگی بیشتری دارد. در نهایت اینکه بیشتر جملات این گونه زبانی دارای یکی از صورت‌های خیال است که در تأثیرگذاری آن مهم و حیاتی است. در این گونه، شواهد برای آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، ضرب‌المثل و ... فراوان است.

در پایان‌نامه بررسی تطبیقی دشواژه‌ها و به‌واژه‌ها در فارسی و ترکی آذربایجانی که توسط

ابهریان آزادی (۱۳۸۹) نوشته شده است، پژوهشگر به بررسی به واژه‌ها و دشواژه‌ها در دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی پرداخته است. پژوهشگر علاوه بر بررسی ارتباط مؤلفه جنسیت با کاربرد به واژه‌ها و دشواژه‌ها، به تأثیر عوامل اجتماعی مثل قومیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، حوزه معنایی و حوزه کاربردی نیز، در کاربرد متغیرهای زبانی نیز پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده آن است بین جنسیت، قومیت، حوزه معنایی، حوزه کاربردی و میزان کاربرد به واژه‌ها و دشواژه‌ها رابطه وجود دارد. میان سطح تحصیلات و میزان کاربرد به واژه‌ها رابطه وجود دارد اما میان سطح تحصیلات و میزان کاربرد دشواژه‌ها رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین میان وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد به واژه‌ها رابطه وجود دارد، اما میان وضعیت اقتصادی و کاربردی دشواژه‌ها رابطه‌ای وجود ندارد.

با توجه به اینکه تاکنون هیچ تحقیقی در ارتباط با بررسی نوع و میزان کاربرد دشواژه‌ها و همچنین ارتباط مؤلفه جنسیت با کاربرد این واژگان در فیلم‌های سینمایی و پر بیننده در ایران صورت نگرفته است. بنابراین، همین مسئله موجب شد که در این تحقیق به این موضوع به صورت خاص پرداخته شود.

### مفاهیم نظری پژوهش

خصلت اجتماعی زبان به طور کلی مورد تأکید، تأیید دانشمندان بوده و زبان همواره یک نهاد اجتماعی به شمار آمده است، اما تا چند دهه اخیر به نقش عوامل اجتماعی در ساخت، کاربرد و تحول زبان چندان توجهی نمی‌شد. به رغم تأکیدهایی که افرادی مانند جرج هربرت مید<sup>۱</sup>، روان‌شناس اجتماعی امریکایی و آنتوان میل<sup>۲</sup>، زبان‌شناس فرانسوی بر خصلت اجتماعی زبان و اهمیت بررسی آن در بافت اجتماعی داشتند، تا نیمه قرن حاضر رابطه و همبستگی زبان موضوع بررسی‌های دقیق و گسترده علمی قرار نگرفت (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳). در واقع تنها در سه دهه گذشته است که نقش عوامل اجتماعی در ساخت، کاربرد و تحول زبان، توجه زبان‌شناسان شده است. جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به مطالعه تأثیرات عوامل اجتماعی مانند هنجارهای فرهنگی، توقعات و بافت بر نحوه استفاده از زبان می‌پردازد. همچنین می‌توان تأثیراتی را که زبان بر فرهنگ و اجتماع دارد نیز در زمره تعریف جامعه‌شناسی زبان قلمداد کرد. جامعه‌شناسی زبان بررسی و مطالعه زبان در ارتباط با جامعه است که تا حدی تجربی و تا حدی نظری است (هادسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶: ۱). براساس این تعریف که جامعه‌شناسی زبان علم مطالعه و بررسی زبان

1. G. H. Mead  
2. A. Meillet  
3. R. Hudson

است، می‌توان دریافت که جامعه‌شناسی بخشی از مطالعه زبان است بدین ترتیب، بررسی زبان در بافت اجتماعی آن در واقع موضوع اصلی علم جامعه‌شناسی زبان است. به بیان دیگر، مطالعه و توصیف زبان که موضوع اصلی زبان‌شناسی است باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان بدون توجه به متغیرهای زبانی و اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. در واقع میان ساخت زبان و ساخت جامعه، روندها، متغیرهای زبانی و اجتماعی رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد و مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند توصیفی همه‌جانبه و واقع‌گرایانه از آن به دست دهد. زبان‌شناسانی نظیر لباو معتقدند که زبان‌شناسی اجتماعی همان زبان‌شناسی است به معنی واقعی کلمه و چنانچه مطالعات زبانی به درستی انجام گیرند، دیگر نیازی به افزودن صفت اجتماعی به آن و به وجود آوردن یک رشته فرعی نیست. با وجود این، در حال حاضر زبان‌شناسی به مطالعه ساخت زبان در سطوح مختلف می‌پردازد، بدون آن که عوامل اجتماعی را در این بررسی دخالت دهد. بررسی زبان در بافت اجتماعی فرهنگی آن موضوع یکی از شاخه‌های این علم، یعنی جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی است. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی محض بیشتر به بعد ساختاری می‌پردازد و ساختار زبان را توصیف می‌کند و جامعه‌شناسی زبان بیشتر به بعد نقشی زبان توجه دارد (مدرسی، ۱۳۶۸:۱۳).

دشواژه در هر زبان مربوط به کلمات و اصطلاحاتی است که به دلیل داشتن بار معنایی منفی ذکر نمی‌شوند و به کار بردن آنها باعث شرمساری و واکنش منفی از سوی جامعه می‌شود. به‌طور کلی ذکر اعضای تناسلی، ذکر مدفوعات بدن و عمل دفع و محل آنها، صحبت در خصوص مسائل جنسی، ناسزاها و الفاظ رکیک را می‌توان در زمره این دسته قرار داد. دشواژه در مفهوم عام به کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود. هر جامعه‌ای برای ارزش نهادن به برخی رفتارها با ضد ارزش تلقی کردن آنها معیارهایی دارد که ممکن است با معیارهای جوامع دیگر متفاوت باشد. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و اصول اخلاقی حاکم بر آن ممنوعیت‌هایی را در رفتارهای اجتماعی قائل می‌شود که نقض این ممنوعیت‌ها به نوعی تابوی اجتماعی به شمار می‌رود (معدنی، ۱۳۸۷: ۶۵). یکی از ناپهنجاری‌های اجتماعی دشنام و فحش است. دشنام به معنای این است که دیگری را با رفتارها و سخنان ناسزا و ناروا و زشت مورد خطاب قرار دهند و مخاطب تحت تأثیر آن، واکنش انفعالی نشان دهد. دشنام در اصطلاح و کاربردهای عمومی شامل عیب‌جویی و گفتن عیب دیگران نیز می‌شود. بنابراین، دشنام و ناسزاگویی هرگونه

سخن زشتی است که موجب رنجش شخص شود و تحت تأثیر آن منفعل گردد. هس<sup>۱</sup> (۱۹۵۱) اشاره کرده است که به نظر می‌رسد برخی دشواژه‌های زبانی از موقعیت‌های دوزبانه ناشی می‌شوند. او مثال‌هایی از کاربردهای یونانی‌های او کلاهما ذکر می‌کند که نشان می‌دهد هرچه آنها بیشتر انگلیسی را به کار می‌برند از به کار گرفتن واژه‌های یونانی مثل خاک، گوشت و چاق پرهیز می‌کنند. نادل<sup>۲</sup> (۱۹۵۴) در مجموعه از آثاری که منتشر کرده توضیح داده است که چرا نوپ‌ها در غرب افریقا را باید در زمره محتاط‌ترین مردم جهان قرار داد، بدین دلیل که آنها از ظرافت بین گفته‌هایی که برای مودبانه صحبت کردن مناسب‌اند و آنهایی که برای این کار مناسب نیستند تمایز قائل می‌شوند. آنها به‌منظور پرهیز از اشاره مستقیم به موضوعاتی که به قسمت‌هایی از بدن، کارکردهای بدنی، رابطه جنسی و غیره مربوط هستند، پیوسته به اطناب و خوشایند سازی متوسل می‌شوند.

آرلاتو<sup>۳</sup> (۲۲۷:۱۳۷۳)، دشواژه زبانی را پرهیز از کاربرد واژه‌های معین به دلایل گوناگون اجتماعی تعبیر می‌کند. به نظر وی، این دلایل می‌تواند مذهبی، خرافی، فردی یا نگرشی اجتماعی در مقابل اعمال جسمانی یا سایر مسائل باشد. وارداف<sup>۴</sup> (۱۹۹۲:۲۳۷) مسائل جنسی، مرگ، دفع، اعمال بدنی، مسائل مذهبی و سیاست را به‌مثابه موضوعات تابوشده ذکر می‌کند. وی می‌گوید: دشواژه‌های زبانی گاهی برای جلب توجه یا برای نشان دادن خشونت یا شهوت یا برای تمسخر قدرت یا طبق نظر فروید گاهی به شکلی از اغوای کلامی یعنی تقبیح صحبت کردن نقض می‌شوند. مجازات نقض دشواژه‌ها ممکن است شدید باشند، زیرا ناسزاگویی و توهین به مقدمات هنوز در بسیاری از قوانین جرم هستند، اما به ندرت احتمال دارد که به قیمت جان انسان تمام شود در حالی که نقض تابوهای غیر زبانی مانند تابوهای زنا یا محارم ممکن است در بعضی نقاط معین از جهان به قیمت جان تمام شود. دشواژه زبانی را بر حسب نوع کاربردی آن می‌توان به دسته‌های مختلفی تقسیم نمود: دشواژه فرهنگی، دشواژه مذهبی، دشواژه سیاسی.

**الف) دشواژه فرهنگی:** فرهنگ به تعبیر گسترده آن، عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها و رفتارها و مصنوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد. به عبارت

---

1. House  
2. S F. Nadel  
3. A. Arlotto  
4. R. Wardhaugh



دیگر، فرهنگ تقریباً صورتی از رفتار را که اکتسابی و غیر غریزی است، در برمی‌گیرد. در واقع آنچه جامعه می‌آفریند و به انسان وا می‌گذارد، فرهنگ نام دارد (اگ برن<sup>۱</sup> و نیم کیف<sup>۲</sup>، ۱۳۳:۱۳۵۳). در هر فرهنگی بسته به باورها و ارزش‌هایش، ادای بعضی کلمات و صحبت در خصوص موضوعی خاص در انظار عمومی تحریم شده است. واژه‌های مرتبط با روابط خصوصی زن و مرد مانند بوسیدن، همبستر شدن و... نمونه‌ای از این دست می‌باشد.

**ب) دشواژه مذهبی:** دشواژه‌های دینی - مذهبی همواره در تاریخ بشری جزء قدرتمندترین دشواژه‌ها محسوب شده و همواره شدیدترین مجازات‌ها را برای ناقضان و شرکت‌کنندگان خود به دنبال داشته‌اند. این امر با توجه به اهمیت دشواژه‌ها همواره اغلب بوده و هست. شکستن و نقض تقدس‌ها همواره چه از سوی شخص و چه از سوی جامعه امری بخشش‌ناپذیر دانسته شده و بدین جهت مجازات سنگین داشته است (شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۸:۱۳۰). از جمله دشواژه‌های زبانی و مذهبی می‌توان به واژه «جن» اشاره کرد، واژه «جن» نزد اکثر فارسی‌زبانان به علت بیم و هراسی که از این پدیده فرهنگی - مذهبی در دل دارند، یک دشواژه تلقی شده است و این مردمان سعی می‌کنند که به جای آن، به واژه «از ما بهتران» را به کار ببرند.

**ج) دشواژه زبانی - سیاسی:** بیان برخی مسائل سیاسی که به نوعی تهدید کننده منافع جامعه یا باعث بی‌ثباتی جامعه شود، همچنین نسبت دادن برخی خصوصیات به شغل‌های کلیدی جامعه را می‌توان در زمره دشواژه‌های سیاسی دانست.

جنسیت نیز بر حسب تعریف، به آن جنبه از تفاوت‌های زن و مرد مربوط می‌شود که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. از این نظر جنسیت از «جنس» که بر تفاوت‌های زیست‌شناختی مردان و زنان اطلاق می‌شود، تمیز داده می‌شود. جنسیت با «همبستگی‌های فرهنگی استقرار یافته پیرامون جنس» (گافمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷:۲۰۱). ارتباط می‌یابد. بر این مبنای جنسیت رمزی بنیادی است که در انطباق با کنش متقابل اجتماعی و ساختار اجتماعی ساخته می‌شود (گافمن، ۲۰۱:۱۹۹۷) رمزی که ما را با هویت شخصی و اجتماعی مان آشنا می‌کند. زنان و مردان از طریق رمزگان جنسیت با یکدیگر رویارو می‌شوند و هویت‌های جنسی همدیگر را باز می‌شناسند (مدرسی، ۱۳۶۸:۱۶۱) می‌گوید: با آن که

1. W. F. Ogburn  
2. M. F. Nimkoff  
3. Goffman

عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد، اما چون زنان و مردان نقش‌های اجتماعی کاملاً یکسانی بر عهده ندارند، جنسیت را نیز معمولاً یک عامل اجتماعی به شمار آورده‌اند. در میان عوامل غیر زبانی مانند طبقه اجتماعی، سن، تحصیلات، سطح خانوادگی، نژاد، مذهب، شغل، محل تولد و... جنسیت نقش مهمی را در بروز گوناگونی‌های زبانی دارد. در برخی از جوامع، این تفاوت‌ها در اکثر حوزه‌های زبانی مانند نحوی، واژگانی، آوایی و کاربردی به چشم می‌خورد. اما در برخی دیگر تفاوت‌ها چندان آشکار نیست، فقط محدود به یکی از حوزه‌های زبانی است. به اعتقاد بعضی از پژوهشگران، بیشترین تفاوت در برخی از زبان‌ها در حوزه واژگان است (باطنی، ۱۳۷۰: ۳۳).

### روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع تحلیل محتوی و پیکره‌بنیاد می‌باشد. داده‌های پژوهش را مکالمه‌های موجود در سه فیلم سینمایی رسوایی (۱۳۹۱)، عصر یخبندان (۱۳۹۳) و آب و آتش (۱۳۷۹)، تشکیل می‌دهند که دارای درون‌مایه اجتماعی هستند و به مسائل و مشکلات اجتماعی می‌پردازند. پیکره پژوهش متن دیالوگ‌های صورت گرفته بین ۱۵ نفر بازیگر این سه فیلم است که تمام شماری شده‌اند. مدت زمان هر یک از این فیلم‌ها نود دقیقه بوده که پژوهشگر پس از دو بار تماشا کردن و نوشتن مکالمات فیلم‌ها به استخراج داده‌ها از میان مکالمات بازیگران پرداخته و سپس آنها را تجزیه و تحلیل کرده است. متغیرهای زبانی این پژوهش دشواژه‌هایی هستند که در مکالمات بازیگران به کار رفته‌اند. تعداد بازیگران موجود در سه فیلم ۱۵ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۱۰ نفر آنها را مردان و ۵ نفر آنها را زنان تشکیل می‌دهند. در این پژوهش جنسیت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و میانگین سنی بازیگران ۲۵-۵۰ سال است و داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس تجزیه و تحلیل شده است.

### یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری داده‌ها از میان مکالمات بازیگران سه فیلم رسوایی، عصر یخبندان و آب و آتش، دشواژه‌ها براساس میزان استفاده زنان و مردان در جدول‌های ۱ و ۲ تفکیک شده‌اند. در جدول شماره ۳ نوع و درصد کاربرد آنها طبقه‌بندی شده است. در این پژوهش دشواژه‌ها به حوزه‌های حیوانات، خانواده، جنسی، نارسایی‌های روانی، مذهب، مرگ، مدفوعات بدن، حشرات، نارسایی‌های فیزیکی و جسمی، بیماری‌ها، حیوانات - خانواده و عمومی دسته‌بندی می‌شوند.

جدول شماره ۱: کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان

| دشواژه            | زنان  |
|-------------------|---|
| حيوانات           | الاغ، خر، گاو، دایناسور، گوساله، یابو و ... |
| خانواده           | ناموس، عمه، ننهات و ناموس                   |
| جنسی              | هیز، چشم چرون                               |
| نارسایی روانی     | دیوونه، خل، احمق و ...                      |
| مذهب              | لاکردار، لامصب، و...                        |
| مرگ               | ننه مرده، خیر مرگم، چه مرگته و ...          |
| حيوانات - خانواده | پدر سگ                                      |
| مدفوعات بدن       | گه و کثافت                                  |
| حشرات             | سوسک، مارمولک و ...                         |
| نارسایی های جسمی  | کور و ...                                   |
| بیماری            | مرض   |
| عمومی             | بترکی، بیچاره، بی‌شعور و خفه                |

جدول شماره ۱، دشواژه‌هایی را که زنان به‌کار می‌برند نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد، زنان دشواژه‌هایی را که مربوط به حوزه واژگانی حیوانات، مذهب، مرگ و عمومی است را بیشتر از حوزه‌های دیگری مثل حیوانات - خانواده و بیماری است را به‌کار برده‌اند.

جدول شماره ۲: کاربرد دشواژه‌ها توسط مردان

| دشواژه            | مردان                                  |
|-------------------|--|
| حيوانات           | سگ الاغ، گوساله، خر و ...              |
| خانواده           | بی‌ناموس، ناموس و ...                  |
| جنسی              | هیز، هرز و ...                         |
| نارسایی های روانی | مشنگ، احمق، حماقت و ...                |
| مذهب              | لعنت به شیطان، حرومزاده، برو به درک    |
| مرگ               | مادر مرده، گورت گم کن، جنازه، چه مرگته |
| حيوانات - خانواده | پدرسگ                                  |
| مدفوعات بدن       | گه، کثافت                              |
| حشرات             | جوچو                                   |
| نارسایی های جسمی  | کور                                    |
| بیماری            | -                                      |
| عمومی             | خفه، زر زدن، زهرمار، امل و ...         |

جدول شماره ۲، دشواژه‌هایی که مردان در فیلم‌های مورد نظر به‌کار برده‌اند را نشان می‌دهد.

داده‌ها نشان دهنده آن است که مردان دشواژه‌هایی را که مربوط به حوزه واژگانی بیماری‌ها است را به کار نبرده‌اند و بیشترین دشواژه‌های به کار برده شده مربوط به حوزه دشواژه‌های عمومی است.

جدول ۳. حوزه واژگانی و میزان کاربرد دشواژه‌ها

| نمونه                                | درصد | انواع دشواژه              |
|--------------------------------------|------|---------------------------|
| خر، گوساله، سگ، گاو و ...            | ۱۷/۹ | حیوانات                   |
| عمه، ننه، ناموس و ...                | ۴/۸  | خانواده                   |
| هرز، هیز، فاسق و ...                 | ۴/۸  | جنسی                      |
| مشنگ، احمق، بیو و ...                | ۱۰/۷ | نارسایی‌های روانی         |
| به درک، به شرفم قسم، حرومزاده و ...  | ۷/۱  | مذهب                      |
| مادر مرده - ننه مرده - گورت گم کن... | ۸/۳  | مرگ                       |
| پدرسگ                                | ۱/۲  | حیوانات - خانواده         |
| گه، کثافت و ...                      | ۲/۴  | مدفوعات                   |
| سوسک، کرم، مارمولک و ...             | ۴/۷  | حشرات                     |
| کوری و چلاق                          | ۲/۴  | نارسایی‌های فیزیکی و جسمی |
| مرض                                  | ۲/۱  | بیماری‌ها                 |
| مرتیکه، زنیکه، گم شو ...             | ۳۴/۵ | عمومی                     |

جدول شماره ۳ حوزه واژگانی و میزان کاربرد دشواژه‌ها را نشان می‌دهد که بیشترین درصد دشواژه‌ها به حوزه واژگانی عمومی و کمترین کاربرد مربوط به دو حوزه حیوانات - خانواده (۲/۱) و بیماری‌ها (۲/۱) مربوط می‌شود. میزان کاربرد در سایر حوزه‌ها به ترتیب زیر می‌باشد: حیوانات (۱۷/۹)، نارسایی‌های روانی (۱۰/۷)، مرگ (۸/۳)، مذهب (۷/۱)، خانواده (۴/۸)، جنسی (۴/۸)، حشرات (۴/۷)، نارسایی‌های فیزیکی و جسمی (۲/۴)، مدفوعات بدن و محل دفع آنها (۲/۴)، بیماری‌ها (۱/۲)، حیوانات - خانواده (۱/۲). در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (با استفاده از بسته نرم افزاری اسپس اس اس) استفاده شده است. متغیرهای تحقیق به کمک روش‌های آماری مورد آزمون قرار داده شده و با تجزیه و تحلیل آنها به سوالات تحقیق پاسخ داده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های در سطح توصیفی - استنباطی از آزمون تی دو نمونه مستقل<sup>۱</sup> استفاده شده است.

تحلیل به کارگیری دشواژه در فیلم‌های سینمایی... ❖ ۱۶۳

برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون ذکر شده در بالا استفاده شده است. ولی در ابتدا برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آماره کلموگروف - اسمیرنوف (k-s) استفاده می‌شود. زیرا یکی از پیش‌نیازهای آزمون تی دو نمونه‌های مستقل نرمال بودن متغیرها است. جدول زیر به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌پردازد. لازمه تأیید نرمال بودن داده‌ها، سطح معنی‌داری بیشتر از  $0/05$  است.

جدول ۴. بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

| نام متغیر   | مقدار آماره کلموگروف اسمیرنوف | p-value |
|---|-------------------------------|---------|
| تعداد دشواژه‌هایی که توسط زنها به کار برده شده است  | ۰/۶۶۷                         | ۰/۷۶۶   |
| تعداد دشواژه‌هایی که توسط مردها به کار برده شده است | ۰/۶۴۱                         | ۰/۸۰۵   |

همان‌طور که از جدول مشاهده می‌کنید برای بررسی تعداد دشواژه‌هایی که توسط زنان و مردان به کار برده شده‌اند، پی ویو بیش از  $0/05$  است و می‌توانیم آنها را دارای توزیع نرمال در نظر بگیریم.

به منظور یافتن پاسخ مناسب برای این پرسش که آیا بین جنسیت و میزان کاربرد دشواژه‌ها ارتباط معناداری وجود دارد؟ پارامترهای مختلف مربوط به متغیر تعداد دشواژه‌هایی که توسط زنان و مردان به کار برده شده در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۵. بررسی تعداد دشواژه‌های به کار برده شده توسط زنان و مردان

| متغیر | واریانس | انحراف معیار | میانگین |
|-------|---------|--------------|---------|
| زنها  | ۴۸/۰۰۰  | ۶/۹۲۸۲۰      | ۲۹/۰۰۰۰ |
| مردها | ۱۴۰/۳۳۳ | ۱۱/۸۴۶۲۴     | ۲۳/۳۳۳۳ |

و در این آزمون فرض صفر = تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد، فرض یک = تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد و اگر p-value کمتر از  $0/05$  شود، فرض صفر رد می‌شود و در غیر این صورت فرض یک رد می‌شود.

این آزمون به بررسی تفاوت میانگین‌های این دو متغیر می‌پردازد.

جدول ۰۶. آزمون تی برای بررسی تفاوت میان کاربرد دشواژه در زنان و مردان

| پ-value | Df | آماره t |
|---------|----|---------|
| .۰۵۴۱   | ۴  | ۰/۷۱۵   |

همان طور که جدول نشان می‌دهد مقدار p-value بیشتر از ۰/۰۵ شده است پس فرض صفر که همان برابری میزان کاربرد دشواژه در میان دو گروه زنان و مردان است رد نمی‌شود و طبق این فرض صفر تفاوت معناداری میان دو گروه در کاربرد دشواژه وجود ندارد و هر دو به یک میزان از دشواژه‌ها در فیلم‌های مورد نظر استفاده کرده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به تأثیر عوامل اجتماعی بر نحوه استفاده از زبان می‌پردازد. زبان، یکی از ابزارهای تعامل انسان‌ها با یکدیگر است و استفاده از آن با توجه به بافت و موقعیت‌های گوناگون متفاوت است. در این پژوهش، به بررسی دشواژه در فیلم‌های سینمایی می‌پردازد. در هر جامعه‌ای رفتارهای اجتماعی که با ارزش‌های آن جامعه مغایرت داشته باشد ممنوع است و دشواژه‌ها هم یکی از این رفتارهای اجتماعی هستند که به کاربردن آنها در جامعه ممنوعیت‌هایی به همراه دارد. با توجه به این مهم که فیلم‌ها می‌توانند تأثیرات زیادی بر رفتارهای اجتماعی افراد یک جامعه داشته باشند و مخاطبان فیلم‌ها رفتار و گفتار بازیگران را به مثابه هنجار پذیرفته و به منزله الگوی رفتاری قلمداد می‌کنند. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی نوع و میزان به‌کارگیری دشواژه در فیلم‌های سینمایی ایرانی و ارتباط بین جنسیت بازیگران و میزان کاربرد این دشواژه‌ها می‌باشد.

در راستای پاسخگویی به سؤالات تحقیق نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین میزان کاربرد دشواژه‌ها به حوزه عمومی و کم‌ترین میزان کاربرد آنها به حوزه حیوانات - خانواده مربوط می‌شود، همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که میان جنسیت و میزان کاربرد دشواژه‌ها ارتباط معناداری وجود ندارد، یا به عبارتی توزیع نرمالی میان میزان کاربرد دشواژه‌ها بین زنان و مردان وجود دارد و هر دو گروه به‌طور مساوی از دشواژه‌ها در فیلم‌های سینمایی استفاده کرده‌اند. با در نظر گرفتن نظریه لیکاف (۱۹۷۵) که در آن شماری از ویژگی‌های گفتار زنانه مشخص شده است و یکی از مهم‌ترین آنها اجتناب از کاربرد واژه‌های تابو شده زبانی است. بنابراین، انتظار بر این

بوده که زنان در جامعه در مقایسه با مردان به میزان کم‌تری از دشواژه‌ها استفاده نمایند، زیرا کاربرد دشواژه نوعی خشونت کلامی یا بی‌ادبی کلامی است که ناقض وجهه فرد است. به این دلیل که زنان در جامعه بیشتر تمایل به استفاده از گونه رسمی و مؤدبانه زبان و حفظ ادب دارند. بنابراین، انتظار این است که شمار دشواژه‌های به‌کار رفته توسط زنان بسیار کمتر از مردان باشد. این در حالی است که نتایج حاصل از این بررسی کاملاً متفاوت بوده و حاکی از کاربرد یکسان دشواژه توسط زنان و مردان بوده است. شاید بتوان علت این پدیده را در کمتر شدن حساسیت زنان به‌گونه گفتاری زنانه و هم‌گرایی گفتمان زنانه و مردانه دانست.

چنین نتیجه‌ای همسو با نتایج حاصل از پژوهش انجام شده ارباب (۱۳۹۱)، بوده که در آن نشان داده شده که میان میزان استفاده زنان و مردان از دشواژه تفاوتی وجود ندارد، بلکه تنها تفاوت در نوع دشواژه‌های به‌کار رفته می‌باشد، ولی هم‌راستا با نتایج سایر تحقیقات از جمله بروجنی (۱۳۸۹) و ابهریان آزادی (۱۳۸۹) نبوده، زیرا در موارد مذکور ارتباط معناداری بین جنسیت و میزان کاربرد دشواژه‌ها وجود داشته، و زنان به میزان کمتری از دشواژه استفاده نموده و محتاطانه‌تر عمل کرده‌اند.

با توجه به رسالت خطیری که رسانه‌های جمعی و سینما در جامعه بر عهده دارند و همچنین تأثیراتی که فیلم‌ها بر روی مخاطبان خود می‌گذارند، استفاده از دشواژه‌ها در فیلم‌ها نه تنها نمی‌تواند مخاطبان را با فیلم‌ها همراه کند، بلکه تأثیرات منفی را هم به دنبال خواهد داشت. بررسی پیکره پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه تعداد دشواژه‌ها و موارد نامناسب گفتاری در مقایسه با کل واژه‌ها پیکره بسیار اندک است؛ اما با توجه به نقش مهم سینما در ایجاد فرهنگ مناسب اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده‌ها، توجه به نقش مهم سینما در ایجاد فرهنگ مناسب اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده‌ها، به‌ویژه بینندگان نونهال و نوجوان می‌گذارد، امری خطیر محسوب می‌شود و بایستی سعی بر آن باشد که از کاربرد دشواژه‌ها جلوگیری شده و آنها را با واژه‌ها و حسن تعبیر زبانی جایگزین نموده تا جامعه از اثرات مخرب آن که شامل هنجارگریزی، خشونت و بی‌ادبی کلامی مصون نگه داشته شود.

## منابع و مأخذ

- ابهریان آزادی، سلماز (۱۳۸۹). **بررسی تطبیقی دشواژه‌ها و به‌واژه‌ها در فارسی و ترکی آذربایجانی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه الزهراء(س).
- ارباب، سپیده (۱۳۹۱). بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه. **فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی**، شماره ۴.
- افروز بروجنی، مهناز (۱۳۸۹). **بررسی ساختار محتوایی و زبانی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر فارسی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهرکرد.
- مدرسی خیابانی، شهرام (۱۳۹۲). بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز. **فصلنامه علوم اجتماعی مطالعات سبک زندگی**، شماره ۴: ۵۷-۷۶.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان** (چاپ سوم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۱). سینما و اثرش بر رفتارهای ضد اجتماعی. **فصلنامه دانشکده علوم و حقوق سیاسی**، شماره ۱۱۳: ۱۰۱-۱۴۷.
- سلطانی گرد فرامرزی، مهدی (۱۳۸۵). نمایش جنسیت در سینمای ایران. **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۱۴: ۶۱-۹۲.
- شیخی، تهمینه (۱۳۹۰). بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی. **زبان‌شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، شماره ۲: ۱۱-۲۴.
- وارداف، رونالد (۱۳۹۳). **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**. ترجمه رضا امینی. تهران: انتشارات بوی کاغذ.
- Gao, Ch. (2013). A Sociolinguistic Study of English Taboo Language. *Theory and Practice in Language Studies*, Vol. 3, No. 12: 2310-2314.
- Mirus, G. Fisher, J. Napoli, D. (2012). *Taboo expressions in American Sign Language*. *Lingua* 122:1004-1020.
- Nazir, B. (2012). Gender Patterns on Facebook: A Sociolinguistic Perspective. *International Journal of Linguistics*. Vol. 4, No. 3. ISSN 1948-5425